

حیات پر نشاط وبے تعلق هنرمند متعهد

مدیر مسوول

حرف اول

تکلف گر نباشد خوش توان زیست
تعلق گر نباشد خوش توان مُرد
(د) هنرمند متعهد هرگز نمی میرد؛ چون
تعهد هرگز مرگ پذیر و فانی شدنی
نیست. از آن فراتر، هنر تعهد همه را به
زندگی، نشاط، بالندگی و فروزندگی
فرا می خواند و واژگان مرگ و فنا و
نیستی را از دفتر زندگی می پالاید. همه
ساختار و جانمایه چنین هنری حیات
است و پابندگی و سراسر وجود
هنرمندانش عشق است و سرزندگی.
بدین سان جاودانگی جامعه انسانی
به جاودانگی هنرمندان متعهدی است
که روح تعهد را در بندگی خداوند و
توفیق ادب به پیشگاه باعظمت او و
ارادت و اخلاص به ساحت قدسی
اولیای او یافتند و نه در دل دادگی به
هوای نفس.

از خدا خواهیم توفیق ادب
بی ادب محروم ماند از فیض رب
بی ادب تنها نه خود را داشت بد
بلکه آتش بر همه آفاق زد
(ه) یاران هنر دوست و هنرمند «فرهنگ
پویا»، در این شماره از نشریه تلاش
کرده اند برخی از ارکان و عناصر هنر
تعهد و پاره‌ای از ویژگی‌های هنرمند
متعهد را به تصویر بکشاند. چه بسا
بتوان با این پیش درآمد فلسفه هنر و
هنرمندی را به عرصه زندگی فاخر و
متعالی انسان سرایت داد.

ظریفی دارد که آفریدگار انسان و
جهان به او ارزانی داشته است و هنر
موهبتی الهی است که خداوند زیبا
و حُسن آفرین به وی عطا فرموده
است. بیان شیوا، صدای رسا، اندام
رعنا، ذهن آفرینشگر و هشیار، ذوق
پسندیده و سرشار، احساس لطیف
و بیدار، روان آرام و باوقار، انگشتان
فَنان و بدن چابک و چالاک، همه
زمینه‌ساز هنرنمایی انسان در میدان
زندگی است. هر یک از این ویژگی‌ها
به تنهایی کافی است که برخوردار از
آن را به هنرنمایی وا دارد.

(ج) آخر، ولی نه کمتر! هنر متعالی؛
هنر تعهد است و هنرمند برتر؛ هنرمند
متعهدتر. اسلام به همه ویژگی‌ها و
عناصر هنر ساز و هنر آفرین جهت
می‌بخشد و به هنرمندانی که با
بهره‌مندی از ویژگی‌ها و عناصر
مزبور در راستای تعهد الهی خویش
گام برمی‌دارند و با هنرنمایی خود
زمینه رشد و کمال و تعالی انسان را
فراهم می‌آورند و هنر را صرف نیل
به سعادت در هر دو جهان می‌کند،
ارج می‌نهد. هنرمند متعهد از قید و
بند تعلق گریزان است و بدون این که
خویش را به تکلف وادارد، از بندبند
وجودش تعهد می‌تراود و روح تعهد
را در کالبد جامعه می‌دمد. او دانسته و
سنجیده می‌سراید:

(الف) هنر به مثابه خلاقیت و مهارتی
سرشار از ظرافت و زیبایی و
فروزندگی؛ واژه‌ای است که همواره با
جاذبه‌های خاص شنیداری - دیداری
یا حسی - احساسی یا عاطفی -
هیجانی و یا با همه این جاذبه‌ها همزاد
و همدوش بوده و روح و روان اهل
ذوق را مجذوب خویش ساخته است.
صد البته این جذب و انجذاب‌ها و
شور و نشاط‌ها، به ذائقه هنرشناسان
و هنردوستان و هنرمندان به مراتب
خوش‌تر و دل‌پذیرتر می‌آید تا افراد
بی‌مایه از هنر و یا بی‌هنران. بارها شده
است که یک اثر بسیار جذاب هنری
در نگاه بی‌هنران جز پاره‌ای کاغذ و یا
مشتی رنگ و لعاب و خاک و سنگ و
گچ تصویر نیافته است. هنرمند خلاق
از مشت‌آب و گل و سنگ و گچ و
نخ و ریسمان کاخ فرهنگ بنا می‌کند،
یا از کلمه‌ای کتاب می‌آفریند و از
کتابی دانشگاه. وی با آفرینندگی هرچه
تمام اثری را پدید می‌آورد که موجب
برانگیختگی اعجاب و تحسین هر
بیننده صاحب ذوقی می‌گردد و او را به
ابراز احساسات متقاضی و می‌دارد. هنر
را نمی‌توان با ارزش‌های مادی سنجید
و محک زد، چرا که قالب‌های مادی
برای سنجش و ارزیابی قامت رعنا و
رسای هنر بسیار تنگ و نارساست.
(ب) هنرمند روح و روان لطیف و